

## **Mani; Globalization and the Subject of Writing & language**

**Leyla Rezai<sup>1</sup>**

Mani the messenger of an Iranian race who appeared in the land of Babel has been of the divine messengers of the ancient world. His religion is considered as one of the gnostic doctrines which could attract many peoples' attention around the world. One of the aspects of his doctrine prominence and importance has been this point that the founder of such a doctrine has paid attention to the distributive aspect of it and developed such a goal in his mind so to establish a global religion in order for unifying the old world of that time. For achieving such a purpose Mani cleverly has used Soryani Language of the time for writing his major works except for Shapur-gan which was in Pahlavi language. The most important of all Mani's accomplishments was the invention of an alphabetic system taken from Soryanian languages common in Mesopotamia and Mani applied such a simple and legible writing system for the purpose of writing his own ideas. Thus by means of this writing system and by writing many books and their translation Mani could develop the domain of his own religion in many parts of the world so to create a fairly global one.

---

<sup>1</sup>- A postgraduate student, Department of Persian language and Literature Shiraz University.

## مانی، جهانی شدن و مسئله خط و زبان

لیلا رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

مانی پیامبر ایرانی نژاد که در سرزمین بابل ظهور کرد یکی از پیام‌آوران دینی دنیای کهن بوده است. آیین مانی را یکی از آموزه‌های گنوستیکی به‌شمار می‌آورند که به‌مدت چند قرن توانست توجه عده زیادی را در گوشه و کنار جهان به خود جلب کند. یکی از وجوه اهمیت آیین مانی این بوده است که بنیانگذار این دین از همان ابتدا به جنبه‌های تبلیغاتی آن اهمیت داده است و این هدف را در ذهن پرورنده که دینی جهانی پدید آورد تا وحدت‌بخش دنیای آن روز باشد. برای رسیدن به این هدف مانی هوشمندانه زبان سریانی دنیای آن روز را در نگارش آثار عمده خود – جز شاپورگان که به زبان پهلوی بود – بکار گرفت. اما مهمترین کار مانی ابداع الفبایی بود که از خطوط سریانی رایج در بین‌النهرین گرفته شده بود و مانی این خط ساده و خوانا را برای نگارش اندیشه‌های خود بکار گرفت. به این ترتیب به کمک این خط با تألیف کتب گوناگون و ترجمه این کتب، مانی توانست قلمرو آیین خود را در بسیاری از سرزمین‌های دنیای آن روز گسترش دهد و دینی نسبتاً جهانی پدید آورد.

**واژه‌های کلیدی:** ۱- آیین مانی، ۲- زبان سریانی، ۳- فارسی میانه، ۴- شاپورگان، ۵- خط مانی.

۱- دانشجوی دوره دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

## ۱. مقدمه

نام «مانی» برای بسیاری از ایرانیان، نامی آشناست. یاد و خاطره کتابی سراپا نقش و نگار به نام «ارژنگ» که همگان آن را اثر هنری «مانی»، پیامبر و نقاش ایرانی می‌دانند در ابیات بسیاری از شعرای فارسی زبان به جای مانده است. اما با توجه به اینکه دین مانوی، دینی متروک شده و از یاد رفته است، اطلاعات چندانی هم درباره آموزه‌های این دین و نیز زندگی و آثار مانی نزد بسیاری از ایرانیان وجود ندارد.

نام و یاد مانی، قرن‌ها در پس غباری از ابهام و تردید قرار داشت اما در دو قرن اخیر تحقیقات بسیاری درباره او و آیین وی انجام گرفته است. بویژه پس از اکتشاف آثار مکتوبی که از ترکستان چین، در شش نقطه به دست آمد. همچنین در حوزه تورفان نیز چند صد قطعه از آثار مانوی به زبانهای مختلف کشف و سبب شد دامنه تحقیقات و پژوهش‌ها درباره نوشته‌ها، اعتقادات و زندگی مانی، گسترش یابد. بنابراین در سده‌های اخیر با وجود این اکتشافات و تحقیقات، بهتر از گذشته می‌توان درباره مانی سخن گفت.

## ۲. زندگانی مانی

«مانی» در آغاز قرن سوم میلادی، به احتمال بسیار در ۱۴ آوریل سال ۲۱۶ میلادی (← ۱ ص ۲۷۹) در استان اسورستان در بین‌النهرین به دنیا آمد (← ۲ ص ۱۳). پدر او که گویا «پتگ» یا «فتق» نام داشت در اصل از اهالی همدان بود، سپس به بابل عزیمت نمود و در تیسفون ساکن شد. نام مادر او را هم برخی از مآخذ نوشتاری یا یوسیت یا مریم نوشته‌اند. گویا پدر و مادر مانی، هر دو از بزرگ‌زادگان اشکانی بوده‌اند (← ۱ ص ۸۰ و ۲۷۹). ابن ندیم، در کتاب‌الفهرست، که یکی از منابع عمده درباره مانی‌شناسی است چنین نوشته است: «مانی بن فتق بابک بن ابی برزام از هسکانیان و نام مادرش میس و به قولی اوتاخیم و به قولی مرمیرم از فرزندان اشکانیان بود... و گویند اصل پدرش از همدان بود به بابل منتقل شد و در مدائن، در

جایی که طیسفون نامیده می‌شد، منزل کرد و در آنجا بتکده‌ای بود و فتق، چون دیگر مردم در آنجا حاضر می‌شد. روزی از روزها، هاتفی از بتکده به او ندا داد که ای فتق، گوشت مخور، می‌منوش و زن مکن. این چند بار بر او در سه روز تکرار شد. پس چون فتق آن بدید، به قومی که در نواحی دشت میشان بودند و معروف به مغتسله پیوست و در آن نواحی و بطائح بقایای آنها تا امروز هستند. و بر مذهبی بودند که به فتق امر شده بود بدان وارد شود. و زن او به مانی باردار بود. پس هنگامی که او را زاد، پنداشته‌اند، برای او رؤیاهای خوبی می‌دید. و در بیداری می‌دید که گیرنده‌ای او را می‌گیرد و به هوا می‌برد. پس او را برمی‌گرداند و بسا که یک روز یا دو روز می‌ماند پس برمی‌گردد. پس پدرش کس فرستاد و برد او را به جایی که بود. پس پرورش یافت با او و بر دینش. و مانی با صغر سنش سخنان حکیمانه می‌گفت. پس هنگامی که دوازده سالگی او تمام شد به او، به گفته خودش، از پادشاه بستان‌های روشنی - و آن خداست و او برتر است از آنچه او می‌گوید - وحی آمد. و فرشته‌ای که به او وحی آورد «توم» نامیده می‌شد و آن به نبطی است و معنایش قرین است، پس او را گفت از این ملت دوری گزین. تو اهل آن نیستی و بر تو است پاکی و ترک شهوات و هنوز زمان ظهور تو به سبب حدائت سنت فرا نرسیده است. پس هنگامی که بیست و چهار سالگی او تمام شد «توم» نزد او آمد پس گفت اکنون هنگام آن رسیده که خروج کنی و مردم را به کار خود دعوت کنی» (← ۳ ص ۱۶ و ۱۵).

### ۳. دین مانی

دینی که مانی در صدد انتشار آن برآمد، تأثیراتی بود که وی از مذاهب گنوسی رایج در آسیای غربی، آیین مغتسله، عقاید قدیمی بابلی و سوریایی (← ۱ ص ۳۰۵) و ... پذیرفته بود و سپس آنها را با اندیشه‌های مسیحی، زردشتی و بودایی آمیخته و به مدد نبوغ خود، دین تازه‌ای را آراسته و پیراسته کرد که عناصر ادیان و طریقه‌های پیشین را حول محور دیدگاه نور و ظلمت، اقتباس و جمع‌آوری کرده بود. گویا او با مطالعه ادیان پیشین، در پی آن بود تا با بهره‌گیری از اصول این

ادیان دینی تازه فراهم آورد و پراکندگی و اختلاف را از تمامی دنیا برچیند. به این ترتیب مانی خود را مأمور می‌دانست که یک دین جهانی همگانی را بنیان‌گذاری کند و همه پیشامدها و تحولات دینی پیش از دین خود را در آن جای دهد و دین خود را تکمیل شده همه ادیان پیشین بداند (← ۴ ص ۴۱۲). او برای اثبات برتری دین خود، دلایلی را برمی‌شمرد و نکاتی را تذکر می‌دهد که توجه به دو نکته از میان آنها، بسیار حائز اهمیت است: یکی اینکه دین پیامبران گذشته، محدود به یک سرزمین و یک زبان بوده اما دین مانی در هر سرزمینی و به هر زبانی آموخته می‌شود. دیگر اینکه پیامبران پیشین، آموزه‌ها و تعالیم خویش را به نگارش درنیاموردند، اما مانی خود به نوشتن کتابهای خویش پرداخت. (← ۵ ص ۳ و ۳۲)

از اینجاست که اهمیت مانی به‌عنوان متفکری هوشمند آشکار می‌شود و توجهی که او به مسئله زبان در تبلیغ آیین خویش داشته است، آگاهی و اطلاع او را نسبت به دانش زبانشناسی و کاربردهای آن آشکار می‌سازد. به این ترتیب مانی که آیین خود را محدود به یک زمان و مکان نمی‌شمرد و اعتقاد داشت که دینش به همه زبانها و در سراسر جهان پراکنده خواهد شد، از همان آغاز به سفرهای دور و دراز روی آورد و به تبلیغ دین خود پرداخت. مانی در سفرهایش به بین‌النهرین، ایران و هند، موفقیت‌های بسیاری به‌دست آورد، تا به آنجا که پادشاه بودایی مذهب توران را به دین خود درآورد. سپس پیروز شاه، شاه خراسان و مهر شاه، شاه میشان – که هر دو از برادران شاپور اول، پادشاه ساسانی بودند – به او ایمان آوردند و پیروز، مانی را نزد برادرش شاپور فرستاد و مانی با کسب اجازه از شاه، آزادانه به تبلیغ آیین خود پرداخت. او همچنین دستور داد آثارش را در زمان حیات خود او، به زبانهای مختلف ترجمه کنند و نیز، هیئت‌هایی را برای تبلیغ به نقاط مختلف جهان آن روز، از جمله ارمنستان، روم، فلسطین، ماوراءالنهر، مصر و هند فرستاد. (← ۶ ص ۱۴ و ۲۱۳)

## ۴. زبان مانی

آثاری که امروزه از مانی و دین او در دست است به زبانهای گوناگون نوشته شده‌اند. زبانهایی چون: سریانی، قبطی، چینی، ترکی، پهلوی اشکانی، فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، سغدی و ... . همچنانکه با استناد به نوشته‌های خود مانی اشاره شد یکی از امتیازات دین مانوی در زمان خود، تکیه پیامبر آن بر کتابت و نگارش بوده است. به همین دلیل از مانی، آثار بسیاری به جا مانده بوده است. مانی‌شناسان، هفت کتاب عمده را به‌عنوان کتابهای اصلی مانی، معرفی می‌کنند که همگی به زبان بومی مانی - سریانی آمیخته با گویش ادسای - از شاخه‌های آرامی شرقی نوشته شده‌اند. (← ۲ ص ۳۱) این کتابها عبارتند از: انگلیون یا انجیل زنده، گنج زندگان، سفرالاسرار (رازان)، رسالات، مکاتیب، فرامیر و سفرالجبابره (کاوان). کتاب مهم دیگر مانی، شاپورگان است که به زبان فارسی میانه نوشته شده و مانی در آن اصول عقاید خود را برای شاپور ساسانی شرح داده است.

اینکه مانی، بیشتر کتابهای خود را به زبان سریانی نوشته است، شاید به این دلیل بود که در آن زمان، این زبان، زبان مهم بین‌النهرین بوده و اهمیتی بسزا داشته است. در همین باره، «ویدن‌گرن» مانی‌شناس معروف در کتاب «مانی و تعلیمات او» چنین می‌نویسد:

«اگر مانی خود راجع به بابلی بودن صحبت می‌کند... می‌شود نتیجه گرفت که دستخط و زبان او آرامی یا دقیق‌تر بگوییم آرامی شرقی بوده است، نزدیک و مشابه سریانی ادسای یعنی زبان ادبی که در ادسا توسعه یافته بود... قسمت‌های پراکنده اشعار مانی که به احتمال قوی دستخط خود مانی است توسط تئودور بارکونای حفظ گردیده همه به گویش ادسای است. همین مطلب در مورد آن مختصر ادبیات مانوی که در مصر کشف گردید نیز صادق است. هر چند که تاریخ تدوین آن و اینکه توسط چه کسی تدوین یافته کاملاً مشخص نیست. به‌طور قطع، حروف و مطالب، مانوی است و مختصر تفاوت‌هایی که با سریانی ادسای اصیل در آن به چشم می‌خورد، در نکته مورد بحث تأثیر نگذاشته است. آگاهی ما از ادسای باستانی کامل نیست و به این جهت،

جایز است مؤید این نظریه باشیم که گفته‌های این نوشته‌های پراکنده عیناً همانی است که در سریانی باستانی ادسا است. نکته شایان توجه این است که زبان آرامی که توسط مانی و شاگردانش به کار می‌رفته گویش ناحیه بابل نبوده، یعنی نه شبیه گفته‌های بابلی است که در تالمود پیدا شده، نه مانند گویش بابلی جنوبی است که در نوشته‌های ماندائی موجود است. این نکته، زمینه را برای تفکر آماده می‌کند و این مسلماً گریزی به گذشته مانی است. جای هیچگونه تردیدی نیست که انتخاب زبان سریانی ادسائی توسط بنیان‌گذار این دین نوین، به خاطر احتیاج به یک زبان برای بهتر اشاعه کردن دین بوده است، زیرا برای مانی که خود شرقی بود، امکان استفاده از زبان یونانی هرگز مطرح نیست، بنابراین برای منظور او هیچ زبان دیگری مناسب‌تر از سریانی ادسائی نبوده که از جنبه ادبی و روحانی در آن زمان در امپراتوری ساسانی و نیز در نواحی شرقی امپراتوری روم، مورد استفاده بوده است. تبحر مانی به‌عنوان مبلغ و مبشر در پس انتخاب نوع زبان برای پیشرفت کار کاملاً منعکس است.» (← ۷ ص ۶ و ۹۵)

کتاب «شاپورگان» اثر مانی، تنها کتاب عمده‌ای است که به زبانی غیر از زبان سریانی نوشته شده است. البته پیروان مانی پس از او، آثارش را از زبان سریانی به پهلوی اشکانی و فارسی میانه ترجمه کردند. آثار مربوط به دین مانی به زبان فارسی میانه، بیشتر از ترفان به‌دست آمده‌اند، زبانی که در نوشته‌های مانویان بکار رفته «فارسی میانه ترفانی» (به نام محلی که آثار از آنجا به دست آمده است) و «فارسی میانه مانوی» یا «فارسی مانوی» (به مناسبت محتوی آنها) نامیده‌اند. این آثار که به زبانهای فارسی میانه و پهلوی اشکانی به‌دست آمده‌اند، قطعه قطعه هستند و جز در بعضی موارد، به یقین نمی‌توان گفت که هرکدام از این قطعه‌ها، مربوط به کدامیک از کتابهای مانی یا پیروان اوست. (← ۸ ص ۱۵۱)

یکی دیگر از زبانهای ایرانی که بخش زیادی از آثار مانی و پیروان او به این زبان نوشته شده، زبان سغدی است. زبان سغدی، یکی از شاخه‌های گروه ایرانی میانه شرقی است که زبان سرزمین سغد بوده است. مرکز سغد، سمرقند و شهر مهم آن، بخارا بوده است. سغدی‌ها در اوایل

هزاره اول پیش از میلاد مسیح در این سرزمین ساکن شدند. این شهر در زمان هخامنشیان، یکی از استانهای امپراتوری هخامنشی بود. از زبان سغدی در دوره باستان، اثری به جای نمانده است ولی در دوره میانه، آثار نسبتاً زیادی به دست آمده است. آثار مربوط به دین مانی در زبان سغدی از واحد ترفان به دست آمده‌اند. بیشتر این آثار به خط مانوی و بخشی هم به خط سغدی بودایی نوشته شده‌اند. بیشتر آثار سغدی مربوط به دین مانی، از فارسی میانه و پهلوی اشکانی ترجمه شده‌اند. تاریخ نگارش آثار سغدی مربوط به دین مانی مشخص نیست. حدس زده شده که این آثار در سده‌های هشتم و نهم و دهم میلادی نوشته شده‌اند. (← ۸ ص ۴ - ۱۴۱) دین مانویت از سده چهارم میلادی به بعد، در مناطق جنوبی سمرقند بویژه در نواحی اطراف بلخ و تخارستان نفوذی عمیق داشته است و بر اثر وجود جاده ابریشم و تجارت گسترده‌ای که در مسیر این جاده تا سرزمین چین رواج داشت، دین مانویت هم به تدریج به سمت شرق گسترش یافت.

## ۵- خط مانوی

گذشته از مسئله کاربرد زبان در آیین مانوی و گستره زبانهایی که آثار مانوی به آن زبانها نوشته شده است، مسئله مهم دیگر در بررسی این دین، مسئله خط مانی است. یکی از شگفتیهای مانی و آیین او، اختراع خطی ویژه برای بیان تعالیم وی بود. در این زمینه، ویدن گرن چنین نظر می‌دهد: «دستخطی که توسط مانی ابداع و به کار رفته و در مکتب‌های دینی مانوی که در نقاط دوردست مانند ولایات ترکستان شرقی نیز بکار می‌رفت عبارت از یک نوع خطی بود مشابه همانی که در ادسا تکامل یافته بود. اما به شکل قدیمی خط ماندایی بیشتر نزدیک بود و همین نکته، گواه بیشتری است برای حقیقت ارتباط تاریخی مانوی و گروه مغتسله ماندایی. قدر مسلم این است که مانی از دو نوع مختلف، الفبای آرامی که روی سکه‌ها و در ادارات شاهان اشکانی و ساسانی (یا شاهزاده‌های فارس) بکار می‌رفته هیچ استفاده نکرده است. به هر حال از آنجا که مانی طرحی برای حروف اتخاذ و بنا بر هدف خاص خود، آن را تکمیل کرده بود، چنین استنباط

می‌شود که باید آن حروف در اصل شبیه همان حروف متداول سرزمین بومی او، بابل، باشد که ظاهراً مناسب‌ترین خط برای اشاعه کتاب دینی او بوده است.» (← ۷ ص ۹۵)

همان‌گونه که از نوشته‌های ویدن گرن برمی‌آید مانی برای تبلیغ بهتر آیین خود، (← ۹ مقدمه) در صدد ابداع خطی برآمد که سهل‌تر و آسان‌تر از خطوط دیگر باشد. این خط از شیوه‌های سریانی رایج در بین‌النهرین سرچشمه می‌گرفت و مانی و پیروان او آثار خود را به زبان فارسی میانه و پارتی به این خط نوشتند. حروف الفبای مانوی جدا از هم نوشته می‌شدند و این حروف با خط خوش نگاشته می‌شدند. بنابراین متون مانوی، از متون پهلوی تحریری بسیار خواناتر بودند. پیروان مانی آثار پیشوای خود را با این خط به زبانهای ایرانی سغدی و بلخی ترجمه کردند. (← ۱۰ ص ۸۰)

خط مانوی تحول بزرگی در نگارش و کتابت زبانهای ایرانی به‌وجود آورد. البته متأسفانه این خط در حوزه پیروان دین مانی محدود ماند. این تحول بزرگ، حذف هزوارش‌ها بود. چنانکه می‌دانیم از دوره هخامنشیان، زبان آرامی در ایران رواج یافت و به‌صورت زبان اداری ایران درآمد. پس از سقوط هخامنشیان، آرامی همچنان به هستی خود در ایران ادامه داد، اما به تدریج از تعداد کسانی که بر این زبان تسلط داشتند کاسته شد. از اوایل نیمه اول سده سوم پیش از میلاد مسیح، کاتبان هرگاه از نوشتن به زبان آرامی درمی‌ماندند، جمله‌ای یا کلمه‌ای به زبان محلی خود، پهلوی اشکانی، فارسی میانه، سغدی یا خوارزمی به کار می‌بردند. پس از این دوران، آرامی‌نویسی به‌طور کلی متروک شد و نوشتن به زبانهای محلی یعنی فارسی میانه، پهلوی اشکانی، سغدی و خوارزمی رایج گردید. اما واژه‌هایی که کاربرد بیشتری داشتند مثل فعل‌ها و ضمیرها و حروف، همچنان به آرامی نوشته می‌شدند و در خواندن، واژه‌های آرامی را به زبانهای محلی می‌خواندند. این واژه‌ها را هزوارش نامیده‌اند. (← ۱۱ ص ۸-۲۶)

اساس الفبای فارسی میانه (و پارتی) مانوی را همان ۲۲ حرف الفبای آرامی - سریانی تشکیل می‌دهد که یک نشانه برای آوای / J / به آن افزوده شده و با افزودن نقطه بر چند حرف،

حروف تازه‌ای به‌وجود آمده است. با این حال در خط مانوی هم نارساییهایی وجود دارد. بویژه در نوشتن مصوت‌ها، به این دلیل که مانویان به زیبایی خط و نوشته خود اهمیت بسیاری می‌دادند، گاه در کلمات آخر سطر، حرفی را می‌انداخته‌اند یا تکرار می‌کرده‌اند تا سطر با حاشیه متن طراز شود و همین نیز یکی از علل دشوار خوانی متون مانوی است. (← ۱۰ ص ۸۱)

## ۶. پایان سخن

اهمیت شگرف مانی را نمی‌توان در تکامل خط و حذف هزوارش‌ها نادیده گرفت و باز هم باید اذعان کرد مانی شخصیت پیچیده و بسیار هوشمندی داشته است که در دوران خود، افکار، زبان و خط سرزمینهای گسترده‌ای را تحت‌الشعاع اندیشه‌ها و ابتکارات خود قرار داد و اندیشه جهانی شدن را تا حدود زیادی، تحقق بخشید. دین مانوی که تا زمان حمله مغول دوام آورد یکی از گسترده‌ترین آیین‌ها در جهان به‌شمار می‌رفته است.

## کتابنامه

- ۱- تقی‌زاده، حسن، مانی‌شناسی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۳.
- ۲- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، اسطوره آفرینش در آیین مانی، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.
- ۳- ابن‌ندیم، محمدبن اسحق، مانی به روایت ابن‌ندیم، ترجمه محسن ابوالقاسمی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۱.
- ۴- نیبرگ، هس، دینهای ایران باستان، ترجمه دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی.
- ۵- شروو، پرودس اوکتور، عناصر ایرانی در کیش مانوی، ترجمه محمد شکری فومشی، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲.
- ۶- رضایی باغ‌بیدی، حسن، نقش جاده ابریشم در انتقال مانویت به شرق، ایران شناخت.
- ۷- گرن، ویدن، مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۸- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- ۹- عمرانی، نوشین، شاپورگان، اثر مانی درباره رویدادهای پایان جهان، انتشارات اشتاد، ۱۳۷۹.
- ۱۰- برجیان، حبیب، کتابت زبانهای ایرانی، انتشارات سروش، ۱۳۷۹.
- ۱۱- ابوالقاسمی، محسن، واژگان زبان فارسی دری، مؤسسه فرهنگی گلچین ادب، ۱۳۷۸.